

ارزیابی نقش شوراهای حل اختلاف روستایی در امنیت قضایی روستاییان (نمونه مورد مطالعه: روستاهای شهرستان مرند)^۱

عبدالرضا رکن الدین افتخاری (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس تهران، نویسندهٔ مسؤول)

eftekhaha@modares.ac.ir

مهدی پورطاهری (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس تهران)

mahdit@modares.ac.ir

عبدالله صفری مرکید (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس تهران)

a_safari@modares.ac.ir

چکیده

یکی از تحولات مهم در عرصه قضائی کشور تشکیل نهاد مردمی شوراهای حل اختلاف در سال ۱۳۸۱ بود. پیش از این تاریخ، روند دادرسی و حل اختلافات، در دادگاهها و مراکز قضایی رسمی انجام می گرفت تا اینکه شوراهای حل اختلاف به عنوان نهادی شبه قضایی وارد عرصه قضاوت شدند؛ از آن پس جوامع شهری و روستایی کشور پذیرای نهاد نوپایی شده‌اند که عهده دار حل و فصل بخشی از اختلافات شهروندان است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف ارزیابی عملکرد و تحلیل نقش شوراهای حل اختلاف روستایی در امنیت قضایی روستاییان انجام گرفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی پیمایشی بوده و داده های تحقیق از طریق ابزار پرسش نامه گردآوری شده است. جامعه آماری نمونه را ۱۵ روستای دارای شورای حل اختلاف شهرستان مرند تشکیل می دهند که از آن میان، ۲۰۰ نفر از سرپرست خانوارهای روستاهای مربوطه با استفاده از

۱- مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه آقای عبدالله صفری مرکید در مقطع کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس تهران تحت عنوان: «نقش شورای حل اختلاف در امنیت قضایی روستاییان؛ مطالعه موردی روستاهای شهرستان مرند» می باشد که به راهنمایی دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری و مشاوره دکتر مهدی پور طاهری در تیر ماه سال ۱۳۸۸ به انجام رسیده است.

روش‌های نمونه‌گیری کوکران و انتساب متناسب به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. در این مطالعه در مجموع ۵۵ گویه به عنوان مولفه‌های مثبت و منفی موثر در امنیت قضایی روستاییان مورد ارزیابی قرار گرفت که در نهایت با استفاده از آزمون آماری T جفت شده (وابسته) مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده، تفاوت معناداری بین دوره قبل و بعد از شوراهای حل اختلاف در اغلب گویه‌های مرتبط با امنیت قضایی روستاییان شهرستان مرند مشاهده می‌شود؛ لذا می‌توان گفت علی‌رغم برخی کاستی‌ها، شوراهای حل اختلاف از نهادهای موثر در گسترش فرهنگ صلح و سازش در جامعه و شکل‌گیری امنیت قضایی در جامعه روستایی کشور می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: روستا، شورای حل اختلاف، امنیت قضایی، ارزیابی.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و همواره ناگزیر بوده است که در میان سایر هم‌نوعان خود ادامه حیات دهد. این روابط اجتماعی و زندگی افراد بشری در کنار یک‌دیگر، در عین حال که عامل رشد و پیشرفت انسان بوده است باعث گردیده که بین منافع و حقوق آنان تعارض و تزاخم به وجود آید و همین امر به ایجاد دعوا و اختلاف بین افراد بشر منجر شده است؛ بنابراین از دیرباز دعوا و اختلاف در جوامع بشری وجود داشته است و برای حل این نزاع‌ها نیز روش‌ها و راه‌حلی وجود داشته است که در هر عصر و زمانی متناسب با شرایط و مقتضیات اجتماعی جوامع تغییر و تکامل یافته‌اند. با پیشرفت انسان‌ها و دانستن این مهم که با خونریزی و استفاده از جبر نمی‌توان به حیات ادامه داد، منطق و گفت‌گویی جایگزین خشونت گردید و افرادی برای میانجیگری و تدوین منطق و اداره آن گفت‌گو، پای در میان نهادند و رفته رفته، نهادهای سازش دهنده شکل گرفتند تا بدان‌جا که امروزه جزو لاینفک زندگی انسان مدرن شده‌اند. لذا می‌توان گفت مرز تاریخی میان توحش و تمدن، سامان یافتن نظام حقوقی و قبول قواعدی به مثابه قانون (داد) در روابط جمعی است. به این معنی که هر گونه تشکل اجتماعی و تعامل مدنی به حداقلی از قانونمندی نیاز دارد و برای استقرار و

استمرار هر نوع دولت و حکومت - از تجمع های بدوی پیش آریاییان در نجد ایران و دولت شهرهای کوچک یونان باستان گرفته تا امپراتوری های بزرگ ایران، چین و روم - وجود قواعد و قوانینی برای برقراری نظم عمومی، تعیین حقوق و تکالیف اعضای جامعه، تمشیت اقتصاد و دفاع، تقسیم کار، امکانات، فرصت، قدرت و ثروت میان مردم ضروری است (امین سید حسن، ۱۳۸۲، ۱۹)؛ بر همین اساس حسن و قبح و نیک و بد هر جامعه‌ای را می‌توان به نسبت داد گری، عدالت، تساهل و تسامح و یا ستمگری، بی‌عدالتی، خشونت و تعصب حاکم بر آن محیط اندازه گرفت. هرچه جامعه به سمت و سوی عدل و داد و آزادی بیشتر حرکت کند، استعداد تک تک افراد آن جامعه شکوفا تر و امکان حرکت آن جامعه به سوی تکامل و توسعه بیشتر می‌شود. لذا یکی از بهترین معیارهای رسیدن به مرز تمدن واقعی و بلوغ مدنی یا رشد اجتماعی و توسعه سیاسی، همانا استقرار یک نظام حقوقی فرا گروهی و سراسری دارای ضمانت اجرا در جامعه است (همان منبع، ۷۲۹). با این تفاسیر گسترش نظام های حقوقی و شکل گیری قوانین اجتماعی راهگشای مسیر توسعه جوامع انسانی می‌باشند.

در عصر حاضر از یک سوی اصلی‌ترین عامل بحران‌های جوامع کنونی بشر ریشه در نابرابری های اجتماعی و کاستی در اجرای عدالت دارد (مرصوصی، ۱۳۸۲: ۲) و از سویی دیگر، به لحاظ گستردگی و تعدد دعاوی اعم از حقوقی و کیفری که ناشی از علل مختلف از جمله افزایش روز افزون جمعیت، فقر مالی و فرهنگی، تصدی حکومت ها در رسیدگی به تمام اختلافات مردم، اطلاع نداشتن مردم از قوانین و مقررات و تورم و تراکم قوانین می‌باشد، دستگاه قضایی که متولی رسیدگی به این اختلافات است به علل گوناگون از جمله کمبود نیروی انسانی، منابع مالی و غیره توان و قدرت مقابله با دعاوی چه کمی و چه کیفی را نداشته، لذا دولت ها سعی در پیدا کردن راهی غیر از رویه های جاری و تصدی مطلق در رسیدگی به دعاوی را دارند (سبزواری نژاد، ۱۳۸۲: ۵) و در این مسیر بهره گیری از توان های محلی توجه صاحب نظران امر را به خود معطوف ساخته است؛ بخصوص در جوامع روستایی که از یک سوی، اغلب اختلافات قابلیت رسیدگی و ترفیع در محل را داشته و از سویی دیگر، دلایلی چون وسعت سرزمین، فواصل طولانی روستاها از شهرها و مراکز دادرسی، عدم اطلاع

و آگاهی کافی روستاییان از بروکراسی اداری دادگاه‌ها، کثرت و پراکندگی و صعوبت دسترسی به بسیاری از روستاها به ویژه در بعضی از فصول سال، لزوم اهمیت دادن به توانای محلی و گسترش نهادهای سازش دهنده محلی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. با این رویکرد طی چند سال اخیر برای حل و رفع هر چه سریع تر اختلافات در جوامع شهری و روستایی کشور، نهادی شبه قضایی تحت عنوان شورای اختلاف شکل گرفته است. در معنای اصطلاحی شورای حل اختلاف هیئتی است مرکب از سه عضو که یک نفر به انتخاب قوه قضاییه به عنوان رییس شورا و یک نفر با انتخاب شورای شهر یا بخش یا روستای مربوط حسب مورد و یک نفر معتمد محل توسط هیئتی مرکب از رییس حوزه قضایی، فرماندار، فرمانده نیروی انتظامی و امام جمعه و در صورت نبودن امام جمعه، روحانی برجسته محل برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند (مستفاد از ماده ۴ و سایر مواد آیین نامه شوراهای حل اختلاف). این نهاد بر اساس آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه کشور مورخه ۱۳۷۹/۹/۱۷ و به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکت‌های مردمی، جهت رفع اختلافات محلی و حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد یا ماهیت آن‌ها از پیچیدگی کمی دارد، تصویب گردید.

در این بین پیدایش هر نهادی در جامعه، اذهان عمومی را متوجه ضرورت وجودی آن می‌سازد و در واقع هیچ نهادی در جامعه شکل نمی‌گیرد مگر اینکه جای خالی و ضرورت آن احساس شده باشد (پاپ زن و علی بیگی، ۱۳۸۵: ۳۸). آنچه بیش از همه ضرورت شکل‌گیری این نهاد قضایی را در جوامع روستایی کشور ایجاب می‌کند «حجم زیاد پرونده‌های قضایی و طولانی شدن زمان رسیدگی به مراجعات، پایین بودن سطح سواد و آگاهی روستاییان نسبت به قوانین و امور قضایی، ماهیت نسبتاً ساده اکثر اختلافات روستایی و لزوم حل و رفع سریع آن‌ها، کاهش هزینه‌های دادخواهی و نیز افزایش مشارکت مردم در امور قضایی خویش می‌باشد.» آنچه که از مفاد آیین نامه اجرایی شورای حل اختلاف بر می‌آید اینکه برقراری و

گسترش امنیت قضایی^۱ هدف غایی از تشکیل شوراهای حل اختلاف بوده است. در هر جامعه‌ای امنیت قضایی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد نهاد قضایی در به کار بستن ضمانت‌های اجرایی قانون، به ترتیبی که شهروندان را قبل از نقض قوانین و تعهداتشان، از آن عمل باز دارد (نوروزی، ۱۳۷۹: ۳). به عبارت دیگر امنیت قضایی بدین معناست که مردم (چه در شهر و روستا) این اعتماد و اطمینان را داشته باشند که کسی به حقوق شرعی و قانونی آنها تعرض نمی‌کند و اگر این تعرض اتفاق افتاد، نظام، حکومت و جامعه در زمان معینی به عوامل ناامنی پاسخ خواهند داد و آنها را محاکمه خواهد کرد. در واقع امنیت قضایی همچون چتری است که سایر ابعاد امنیت را پوشش داده و حمایت می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۳۵). با این پیش زمینه، تحقیق حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سوال اساسی است که:

آیا شورای حل اختلاف در روستاهای شهرستان مرند امنیت قضایی مردم را افزایش داده است؟

مبانی نظری تحقیق

متون توسعه نشان می‌دهد که تحولات اندیشه‌ای در مفهوم توسعه، نقش مردم در توسعه و اداره امور کشور یا منطقه خود را از عناصر کانونی توسعه قلمداد می‌کند؛ به طوری که امروزه در به کارگیری مدل‌های مختلف توسعه، دست‌یابی به الگوی جدیدی از توسعه پایدار انسانی^۲ که در آن «امنیت انسانی» و حقوق شهروندی برای تمامی قشرهای جامعه، تمامی جوامع و تمامی مناطق فراهم شده باشد، به رسمیت شناخته شده است. اساس این توجه بر این نکته مبتنی است که مادام که مردم در زندگی روزمره خود امنیت نداشته باشند، جهان نمی‌تواند به صلح دست یابد. امنیت انسانی با ریشه‌های عمیق محرومیت‌ها و نابرابری‌های رو به تزاید اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی ارتباط مستقیمی دارد لذا امنیت اجتماعی، اقتصادی و

۱- juridical security

۲- Human sustainable development

اکولوژیکی را باید در توسعه پایدار انسانی سراغ گرفت. به عبارت دیگر جز در بافت توسعه پایدار رهنمون به امنیت انسانی، دستیابی به هیچ کدام از هدف های بزرگ توسعه امکان پذیر نخواهد بود؛ این الگو که از آن به عنوان توسعه انسانی پایدار نام برده می شود در چارچوب پارادایم توسعه پایدار و به عنوان منشور جهانی توسعه برای قرن حاضر است (جمعه پور، ۱۳۸۷: ۶۶). تاکید این نظریه برای نیل به نوع توسعه، در واقع اصالت دادن به روابط بوم شناسانه و روح همیاری اجتماعی و یک پارچگی نیازهای مادی و معنوی است (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۴۸). با این نگرش نوین توسعه در مفهوم درست و امروزی آن به معنای آشکار و روشن کردن توانها و ظرفیت های مردم به صورت نهادینه از جمله مشارکت دادن مردم و مکانها در تمام ابعاد فرآیند توسعه است. تنها در این شرایط است که مردم به طور مستقیم یا غیر مستقیم از نتیجه آنچه که ساخته و پرداخته اند بهره مند خواهند شد. تحقق مشارکت نیز موجب توسعه نهادهایی خواهد شد که مردم از طریق این نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حزبی، آموزشی، کاری و امثال آن در تصمیم گیری های سپهر زندگی خود اعم از سپهر کارگری، علمی و تخصصی، تجاری و غیره و در قالب سازمان های رسمی و غیر رسمی مدنی در زمینه های مختلف فعالیت خواهند نمود؛ همگی این نهادها نیز در چارچوب شکل گیری مراکز تعینی، اجرایی و قضایی در سطوح مختلف مکانی (از محلی تا بین المللی) به صورت گروه های فشار شکل می گیرند تا ناظر بر این مراکز باشند (رحیمی خورشید و نند، ۱۳۸۵: ۴). به عبارت دیگر در شرایط امروز، که توسعه یافتگی و زندگی شرافتمندانه و داشتن حق شهروندی به عنوان یک حق شناخته شده است، شکل گیری جامعه مدنی و دموکراسی نوین تا آنجا که به زندگی مردم مربوط می شود تحقق خود را در مجموعه نهاد هایی می یابد که با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه و کشور شکل یافته باشند و به واسطه آنها به مردم حق انتخاب، تصمیم گیری و نیز حق ابتکار و خلاقیت داده شود. به عبارت دیگر تعدد و گسترش سازمان های محلی و غیر دولتی در یک جامعه، شاخص و گویای وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است؛ تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکت های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

بدین سان باید گفت مشارکت اجتماعات محلی در اداره امور مربوط به خود، افزون بر آثار اجتماعی و اقتصادی مثبت در همبستگی جوامع، به کاهش بارهای سنگینی از دوش دولت مرکزی منجر شده و باعث تسهیل کار شده و هم ضامن اجرای صحیح برنامه‌های ملی در سطوح منطقه‌ای و محلی گردیده و سرانجام رضایت اجتماعات محلی را فراهم می‌کند، چرا که اغلب مطالعات نشان می‌دهد وجود شیوه‌های حکمروایی و مدیریت دموکراتیک محلی، ارتباط نزدیکی با تامین نیازهای بهتر شهروندان و ارتقای سطح توسعه جامعه دارد (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ۳۵)؛ لیکن باید توجه داشت که علی‌رغم توجه خاص به شیوه‌های نوین در توسعه پایدار، لزوم به کارگیری کلیه توان‌ها به ویژه استفاده از روش‌های مشارکتی (استوپ^۱: ۱۹۹۵: ۵)، بحث پیرامون «مشارکت» را همواره با سیاست و حکومت آمیخته می‌کند و با این نگرش است که گفته می‌شود حاکمان در رشد و عقب‌نشینی فرآیند مشارکت در طول تاریخ بشر تاثیر به‌سزایی داشته و دارند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۸)؛ بر این اساس نظریه پردازان توسعه در عصر حاضر جهت بازتعریف نقش دولت و مردم در روند توسعه پایدار انسانی که در قالب الگوهای مشارکتی انجام می‌پذیرد، رویکرد حکمروایی خوب را مطرح ساختند.

حکمروایی خوب طبق تعریف عبارتست از نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که به وسیله آن جامعه، اقتصاد، سیاست، و مسایل اجتماعی و سرزمینی خود را از طریق تعامل سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کنند. در تعریف دیگری حکمروایی خوب شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن‌ها، شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را به دست می‌آورند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند و ترجیحاتشان را با تاکید بر مشترکاتشان تعدیل می‌کنند (آندسکپ^۲، ۲۰۰۲). به سخن دیگر حکمروایی خوب عبارتست از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادل و مشارکت

۱- Styop

۲- Undescap

گسترده مردم در فرآیند حکومت داری (جانسون^۱: ۱۹۹۷: ۹، میدری، ۱۳۸۳: ۹۴). با این نگرش هر اندازه حاکمیت قانون نهادینه تر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادل تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد حکمروایی در آن کشور بهتر است. در واقع همان طوری که بانک جهانی نیز مطرح کرده است می توان حکمروایی خوب را بر اساس شش ویژگی مشخص کرد (کافمن^۲ و دیگران ۲۰۰۶):

- حق اظهار نظر و پاسخ گویی^۳

- ثبات سیاسی و عدم خشونت^۴

- بار مقررات تنظیمی^۵

- حاکمیت قانون^۶

- مبارزه با مفاسد^۷

- اثر بخشی دولت^۸

بنابراین می توان گفت حکمروایی خوب الگویی است که در پی ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه کلاسیک توسط کشورهای توسعه یافته و مجامع بین المللی و مراکز علمی شکل گرفته است.

با عنایت به تعریف و سیر تحول سیاست گذاری و حکمروایی می توان گفت که موضوع حکمروایی خوب با هدف دست یابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید محیط زیست و رشد و توسعه زنان، تاکید می

۱- Johnson

۲- Kaufman

۳- Voice and accountability

۴- Political and violence instability

۵- Regulatory burden

۶- Rule of law

۷- corruption

۸- Governance effectiveness

شود، که همه این‌ها با حکمروایی خوب تحقق می‌یابد. در توسعه پایدار انسانی بر پایداری در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تاکید شده و عقیده بر این است که بدون پایداری و ایجاد تعادل و توازن در تمامی ابعاد جامعه نمی‌توان به یک توسعه پایدار دست یافت. در راستای این هدف، به توسعه از دیدگاه سیستمی نگریسته می‌شود که عناصر اصلی آن مردم، منابع و سرزمین به شمار می‌روند و ترکیب مطلوب این عناصر بر اساس مشارکت و در قالب نظام سازمانی، اجتماعی و فضایی مناسب به معنای دستیابی به توسعه خواهد بود (جمعه پور، ۱۳۸۷: ۶۵). همچنین حکمروایی خوب شامل طیف وسیعی از ساخت مفاهیمی مانند توسعه پایدار، توسعه روستایی و شهری و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی با رویکرد شفافیت بوده که هم سو با ویژگی‌های غالب راهبردهای اجرایی خط مشی‌ها و برنامه ریزی‌هاست. همان‌طوری‌که پیشتر بیان شد در حکمروایی خوب شراکت بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیت‌ها وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است. در این چارچوب حکمروایی عمومی بر ارزش‌های قانونی و ارزش‌های مشروعیت به جای ارزش‌های اقتصادی و کارایی صرف تاکید بیشتری دارد و ایجاد دموکراسی و شهروندی سازی و حق توسعه یافتگی در جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (والتر^۱ ۲۰۰۲).. مبانی نظریه‌ای این روش جدید را می‌توان وام‌دار نظریاتی مانند نظریه مدیریت دولتی نوین هود، نظریه دولت مدیریتی و نظریه دولت کارآفرین آزون و گیبلر دانست. این نظریه‌ها همگی الگوی جدیدی را مطرح می‌سازند که ضمن تاکید بر جنبه‌های کارایی و اثر بخشی دولت که در رویکرد توسعه پایدار مطرح بود، بر جنبه‌های دموکراتیک و ارزش‌های دموکراتیک نیز تاکید داشته باشد.

در همین راستا و همسو با نظریات جهانی توسعه، در زمینه مدیریت پایدار روستایی نیز به انسان به عنوان ناظر و به خاطر مبانی اخلاقی، انسان را محور می‌داند و به لحاظ منطبق به شبکه و ترکیب و به خاطر طبیعت انسان به انسان خردمند و به لحاظ ساختار سیاسی به اصل

۱- Walter

تفویض اختیار اعتقاد دارد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۷)؛ بنابراین استفاده از شیوه های مشارکتی و تعاملی و رقابت سالم در مدیریت نوین روستایی امروزی از اصول اساسی جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار روستایی است. در نتیجه مدیریت جدید روستایی همان طور که راجرز می گوید دارای اصول اساسی چون پاسخگو بودن، عدالت محور، ایفا کننده نقش، دارای مشروعیت و جهت گیری برای افزایش مشارکت روستاییان، ارائه خدمات عمومی مناسب و به موقع، ایجاد احساس تعلق در روستاییان است که همگی این اصول، مدیریت روستایی را به حکمروایی خوب روستایی رهنمون می سازد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۸). با این رویکرد تاثیر حکمروایی خوب در برنامه ریزی توسعه روستایی را می توان از دو جنبه نگریست: نخست در سطح ملی با توجه به اصول اولیه حکمروایی خوب، بی شک تفویض اختیار امور برنامه ریزی روستایی به مردمان محلی مورد توجه دولتمردان قرار می گیرد؛ در واقع توسعه درونزا و از پایین به بالا محور قرار می گیرد؛ بر این اساس، امروزه برای هر کسی روشن است که نهادهای محلی روستایی، حداقل به عنوان یکی از عناصر اصلی در توسعه پایدار و موفق روستایی تلقی می گردند (بنار، ۱۳۸۱: ۴۶). از جنبه دیگر رویکرد حکمروایی خوب پیش از پیش مشوق گسترش مشارکت های مردمی در اداره امور خویش می باشد که این عامل می تواند به شکل گیری نهادهایی در سطح روستا منجر شود که هر کدام اداره بخشی امور روستا را بر عهده می گیرند. در واقع نتیجه نهایی حکمروایی خوب ظرفیت سازی برای توسعه پایدار، پویایی اجتماعی و فرهنگی، پایداری محیط زیست و تسهیل مشارکت های جمعی خواهد بود (آندسکپ، ۲۰۰۲)؛ بدین سان می توان گفت حکمروایی خوب روستایی راهی جهت افزایش مشارکت در تصمیم گیری های اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی و همیاری در توسعه و بهره مند شدن از ثمرات آن تعریف کرد. با این رویکرد جدید، در امور قضایی و حل مسایل زندگی در سپهر زیست نیز با توجه به رشد روز افزون پدیده مجرمانه، همراه با ظهور اشکال و حجم های نوین و متنوع بزه و بزهکاری، بحران ناتوانی و ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام عدالت کیفری در به کارگیری صرف ضمانت اجرای کیفری در زمینه پیش گیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران، لزوم افزایش و تقویت عملکرد برنامه های

سیاست جنایی و سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جرم شناسی باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه های سیاست جنایی شده است (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۳۹) که شوراهای حل اختلاف را می توان نمودی از نهادهای جامعه مدنی دانست.

پیشینه تحقیق

نتایج حاصل از مطالعات نشان می دهد فعالیت های تحقیقی «رنه داوید» از نخستین مطالعات در زمینه نهاد های قضایی است. وی در مطالعات خود از سال های ۱۹۶۰، به ارزیابی نهادهای داوری از نخستین تمدن ها تا کنون پرداخته است. هر چند وی در مطالعاتش به طور مستقیم به ارزیابی نهادهای دادرسی روستایی نپرداخته، لیکن شرایط جوامع و نیز نحوه ی حل و فصل اختلافات در آن دوران ها به وضوح بیان شده اند. در ایران نیز مطالعات ارزشمندی در این زمینه انجام گرفته به عنوان نمونه فرشید افشار (۱۳۴۷) در تحقیقی تحت عنوان «دادرسی روستایی در ایران (خانه های انصاف) و بررسی تطبیقی با دادرسی روستایی در هند (پنجایات های عدالت)» به بررسی دادرسی روستایی و نقش و عملکرد خانه انصاف پرداخته است. لذا نخست خانه های انصاف، نحوه شکل گیری و قوانین مربوط بدان ها مورد مذاقه قرار گرفته سپس با معرفی نهادهای دادرسی هندوستان، تحلیلی مقایسه ای بین دو کشور انجام گرفته است تا نقاط ضعف و قوت دادرسی روستایی کشور مشخص تر گردد. در تحقیق دیگری در سال ۱۳۵۱ عباس وکیل در پژوهشی تحت عنوان «خانه انصاف و فلسفه ایجاد آن» به بررسی کامل علل و پیامدهای تشکیل خانه های انصاف روستایی و قوانین و مقررات مربوطه پرداخته است. همچنین محسن حسینی جیلانی (۱۳۶۲) در تحقیقی با عنوان «خانه انصاف و تاثیر اجتماعی آن در ایران» به بررسی عملکرد این نهاد پرداخته است. در این تحقیق خانه های انصاف از لحاظ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، روانی، تربیتی، قضایی و بهداشتی مورد بررسی قرار گرفته و قانون تشکیل خانه های انصاف و آیین نامه های مربوطه مورد تحلیل قرار

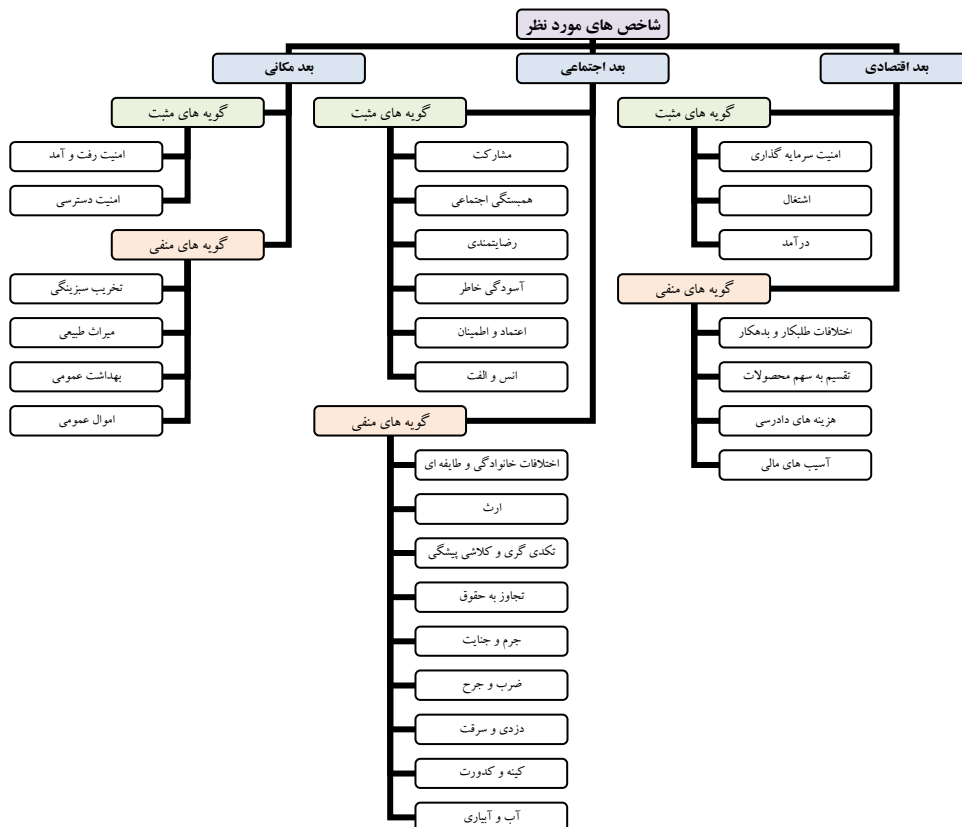
گرفته است. همچنین ورود زنان به کسوت قضاوت در اثر اجرای قانون خانه‌های انصاف و آمار و پرونده‌های رسیدگی شده به وسیله خانه‌های انصاف کشور در سال ۱۳۴۸ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در طی سال‌های اخیر نیز مطالعات چندی در رابطه با نهادهای داوری نوپا به خصوص شوراهای حل اختلاف صورت گرفته که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عباس جمشیدی (۱۳۸۳) در پژوهشی با موضوع «بررسی جایگاه حقوقی شوراهای حل اختلاف موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه» ضمن معرفی این نهاد به دلایل شکل‌گیری و نقاط ضعف و قوت آن پرداخته است. همچنین حیدر جعفری در تحقیق خود با عنوان «صلاحیت شوراهای حل اختلاف و قواعد حاکم بر رسیدگی آن»، بیشتر به بررسی قوانین و مقررات حاکم بر این نهاد پرداخته است. تحقیق حاضر نیز از آخرین مطالعات در زمینه بررسی نهادهای دادرسی روستایی می‌باشد که تلاش دارد با بهره‌گیری از نقاط ضعف و قوت تحقیقات قبل، به بررسی میزان کارایی این نهاد در زمینه برقراری امنیت قضایی از دیدگاه روستاییان بپردازد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی، روش انجام آن تحلیلی-توصیفی و از لحاظ نحوه جمع‌آوری داده‌ها جزو تحقیقات پیمایشی محسوب می‌شود. در این راستا نخست متون مربوط به شوراهای حل اختلاف و نیز مباحث مربوط به امنیت قضایی مطالعه شد، سپس از طریق تدوین و تکمیل پرسش‌نامه، داده‌های تحقیق گردآوری شدند. جهت سنجش امنیت قضایی و نقش شوراهای حل اختلاف در امنیت قضایی روستاییان منطقه مورد مطالعه نیز، سه بعد اقتصادی، اجتماعی و مکانی امنیت قضایی با ۵۵ شاخص و در قالب مولفه‌های مثبت و منفی مورد ارزیابی قرار گرفت. در واقع هدف کلی از تنظیم شاخص‌ها را می‌توان شناخت کمی دقیق شرایط موجود در یک مقطع زمانی و همچنین تصویر روندها و دگرگونی

هایی که در طی سال‌ها در جامعه مورد نظر صورت خواهد گرفت دانست؛ بر همین اساس مؤلفه‌ها و عوامل اصلی مورد نظر جهت سنجش امنیت قضایی در روستاهای مورد مطالعه به صورت زیر انتخاب شدند:

شکل شماره ۱: شاخص‌های اصلی مورد نظر جهت سنجش امنیت قضایی روستایان



در ضمن داده های آماری مربوط به شوراهای حل اختلاف در سطح استان آذربایجان شرقی و شهرستان مرند و نیز سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان و شناسنامه آبادی های منطقه مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵ مواد اصلی تحقیق حاضر را تشکیل می دهند.

جامعه آماری و برآورد حجم نمونه آماری

جامعه آماری که در واقع همان جامعه مورد بررسی می باشد روستاهای دارای شورای حل اختلاف شهرستان مرند می باشد. شهرستان مرند یکی از شهرستان های شمالی آذربایجان شرقی می باشد که در شمال شرقی دریاچه ارومیه و شمال غربی تبریز و بر سر راه آهن تبریز - جلفا قرار گرفته و فاصله آن از شهر تبریز ۷۵ کیلومتر می باشد این شهرستان از شمال به شهرستان مرزی جلفا، از جنوب به شهرستان شبستر، از شرق به شهرستان اهر و از غرب به شهرستان خوی و ماکو محدود می گردد و فقط از قسمت غربی به استان آذربایجان غربی محدود بوده و با سایر استان های کشور مرز مشترکی ندارد. از لحاظ موقعیت ریاضی این شهرستان بین ۳۸ درجه و ۷ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۵۶ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۴۵ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرق جغرافیایی واقع شده است. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، شهرستان مرند دارای ۲۳۲۰۶۷ نفر جمعیت بوده که در ۵ شهر (مرند، زنوز، بناب، کشکسرای و یامچی) و ۱۲۶ روستای دارای سکنه سکونت داشته اند. در این سال از کل جمعیت شهرستان تعداد ۱۳۹۰۳۲ نفر شهرنشین و تعداد ۹۳۰۳۵ نفر نیز روستا نشین بوده اند.

با توجه به اینکه در برخی از روستاهای منطقه طی چند سال اخیر شورای حل اختلاف شکل گرفته است لذا انتخاب جوامع آماری بر اساس پیش شرط مطالعه تحولات ناشی از آثار پدیده مورد نظر (شورای حل اختلاف) حداقل سپری شدن ۵ سال از زمان تشکیل شورای حل اختلاف می باشد. با اعمال این پیش فرض، تعداد روستاهای مورد بررسی ۱۵ روستا می باشند.

در این تحقیق هدف ارزیابی نقش شورای حل اختلاف در امنیت قضایی روستاییان در شهرستان مرند به عنوان نمونه است. بدین ترتیب بر اساس معیار سپری شدن حداقل ۵ سال از زمان تشکیل شورای حل اختلاف، ۱۵ روستا به عنوان جامعه آماری و از مجموع خانوارهای روستایی آنان، از طریق روش نمونه گیری کوکران، ۲۰۰ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. در نهایت با استفاده از روش انتساب متناسب تعداد خانوارهای مورد پرسش‌گری در هر روستا مشخص گردید که از سرپرست این خانوارها پرسش‌گری به عمل آمد. تعداد نمونه‌های مورد مطالعه از هر روستا در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: تعداد خانوار و نمونه انتخاب شده به تفکیک روستا بر اساس آمار سال ۱۳۸۵

بخش	دهستان	آبادی	تعداد خانوار	تعداد نمونه
یامچی	ذوالبین	گله بان	۷۰۳	۱۶
یامچی	ذوالبین	مرکید	۷۰۱	۱۶
یامچی	ذوالبین	باروج	۵۷۴	۱۳
یامچی	ذوالبین	لیوار	۵۵۸	۱۳
یامچی	یکانات	یکان کهریز	۵۲۶	۱۲
مرکزی	بناب	اردکلو	۹۸۶	۲۳
مرکزی	دولت آباد	دولت آباد	۹۷۶	۲۳
مرکزی	کشکسرائی	دیزج حسین بیگ	۹۶۳	۲۲
مرکزی	هرزندات غربی	گلین قیه	۶۵۵	۱۵
مرکزی	دولت آباد	ابرغان	۵۰۵	۱۲
مرکزی	کشکسرائی	ارسی	۳۹۱	۹
مرکزی	کشکسرائی	ایلات یالقوزاغاج	۳۵۲	۸
مرکزی	کشکسرائی	قراجه محمد	۳۴۳	۸
مرکزی	کشکسرائی	جامعه بزرگ	۲۰۰	۵
مرکزی	میشاب شمالی	گلجار	۱۵۶	۴

۲۰۰	۸،۵۸۹	جمع
-----	-------	-----

تحلیل داده های تحقیق نیز با استفاده از نرم افزار SPSS و با بهره گیری از آزمون آماری T جفت شده (وابسته) انجام گرفته است.

یافته های تحقیق

داده های آمار توصیفی مربوط به شوراهای حل اختلاف روستایی به ویژه شرایط افرادی که عضویت شورا را دارا می باشند می تواند به عنوان ابزاری در جهت داوری بهتر و شناخت نقاط ضعف و قوت این نهاد به کار گرفته شود. لذا در این بخش به بیان ویژگی های اعضای شوراهای حل اختلاف در روستاهای مورد پرسش گری پرداخته می شود. از لحاظ ویژگی های سنی، ۳۸/۱٪ از افراد شورا دارای ۵۶ سال سن و بیشتر بوده اند که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. همچنین گروه سنی ۲۵-۳۵ سال نیز با ۱۴/۳٪ کمترین فراوانی را دارا می باشد.

جدول شماره ۲: ویژگی های سنی اعضای شورای حل اختلاف

ویژگی های سنی شوراهای حل اختلاف روستاهای مورد مطالعه		
سن	تعداد	درصد
۲۵-۳۵	۶	۱۴,۳
۳۶-۴۵	۷	۱۶,۷
۴۶-۵۵	۱۳	۳۱,۰
۵۶ و بیشتر	۱۶	۳۸,۱
کل	۴۲	۱۰۰

بررسی سطح سواد اعضای شورای حل اختلاف نشانگر بالا بودن سطح تحصیلات ابتدایی در بین اعضای شورا می باشد که ۵۰٪ کل اعضا را در بر می گیرد. در ضمن افراد دارای تحصیلات حوزوی نیز با دارا بودن ۱۶/۷٪ دارای دومین میزان فراوانی می باشند.

جدول شماره ۳: سطح سواد اعضای شورای حل اختلاف

سطح سواد اعضای شورای حل اختلاف روستاهای مورد مطالعه		
سواد	تعداد	درصد
ابتدایی	۲۱	۵۰,۰
راهنمایی	۶	۱۴,۳
متوسطه	۳	۷,۱
تحصیلات دانشگاهی	۵	۱۱,۹
تحصیلات حوزوی	۷	۱۶,۷
کل	۴۲	۱۰۰

همچنین از لحاظ اشتغال، ۱۹٪ اعضا عنوان کرده اند که دارای شغل دولتی اند و ۸۱٪ در فعالیت های غیر دولتی مشغول به کار بوده اند. داده های جدول زیر نشان می دهد که اکثریت اعضای شوراهای حل اختلاف دارای سابقه عضویت ۳ سال و بیشتر در شورا بوده اند و تنها ۷/۱٪ از اعضا دارای سابقه ای کمتر از ۱ سال می باشند.

جدول شماره ۴: سابقه عضویت در شورای حل اختلاف

سابقه عضویت در شورا حل اختلاف روستاهای مورد مطالعه		
سابقه	تعداد	درصد
کمتر از ۱ سال	۳	۷,۱
۱ تا ۲ سال	۱۱	۲۶,۲
۲ تا ۳ سال	۳	۷,۱
۳ سال و بیشتر	۲۵	۵۹,۵
کل	۴۲	۱۰۰,۰

همچنین بر اساس بررسی های به عمل آمده متوسط تعداد پرونده های ارجاعی به هر واحد از شوراهای حل اختلاف روستاهای مورد مطالعه ۸۳ فقره و متوسط تعداد مختومه در هر

واحد ۶۸ فقره در سال بوده است؛ و نیز متوسط مدت زمان رسیدگی به پرونده ها ۳۵ روز برای هر پرونده می باشد.

شیوه غالب رسیدگی در شوراهای حل اختلاف روستایی مورد مطالعه، روش کدخدامنشی بوده و روش های مشورت با معتمدین محلی و معرفی به دادگاهها در مرحله بعدی قرار داشته اند. در این میان بیشتر اختلافات روستاییان اختلافات مالی به ویژه اختلافات ناشی از معاملات محصولات کشاورزی و دامی بوده و در وهله بعد اختلافات اجتماعی و مکانی قرار داشته اند. نکته دیگر اینکه در فصل تابستان نیز بیشترین اختلافات در سطح روستاها گزارش شده است.

در همین راستا نتایج حاصل از بررسی امنیت قضایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و مکانی به صورت زیر می باشد:

بعد اقتصادی امنیت قضایی

جهت سنجش بعد اقتصادی امنیت قضایی ۱۶ شاخص طراحی شد و با تحلیل دیدگاه سرپرست خانوارها نتایج زیر به دست آمد: از دیدگاه سرپرست خانوارها بیشترین اختلافات اقتصادی در سطح روستاها در دوره قبل از شوراهای حل اختلاف مربوط به مطالبات وجه نقد و چک بلامحل بوده است به طوری که بیش از ۱۶۰ نفر از سرپرست خانوارها این گونه اختلافات را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده اند. در دوره بعد از شورای حل اختلاف نیز علی رغم کاهش نسبی این اختلافات در زمینه مطالبات وجه نقد و چک بلامانع، همچنان بیشترین میزان اختلافات روستایی از دیدگاه سرپرست خانوارها می باشند. از سویی دیگر از دیدگاه سرپرست خانوارها هزینه مراجعه به دادگاهها در دوره بعد از شورای حل اختلاف نسبت به قبل از آن افزایش یافته است به طوری که اغلب افراد میزان هزینه رفت و آمد به دادگاهها در دوره بعد از شورای حل اختلاف را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده اند.

در مورد اختلافات ناشی از تقسیم به سهم محصولات کشاورزی در دو دوره قبل و بعد از شورای حل اختلاف نیز می توان گفت علی رغم کاهش نسبی این اختلافات در دوره بعد از

شورای حل اختلاف، از دیدگاه سرپرست خانوارها این اختلافات کماکان به مقدار زیادی در سطح روستاها وجود دارد.

از لحاظ گویه های مثبت نیز باید گفت در دوره بعد از شوراهای حل اختلاف مطلوبیت نسبی در زمینه شاخص های مورد ارزیابی به ویژه در مورد میزان اشتغال برای زنان و میزان اطمینان از دریافت حق الزحمه در قبال کارهای روز مزد مشاهده می شود.

بعد اجتماعی امنیت قضایی

جهت سنجش بعد اجتماعی امنیت قضایی ۲۸ گویه طراحی و مورد پرسش گری قرار گرفت. بر اساس یافته های حاصل از داده های پرسش نامه ای از دیدگاه سرپرست خانوارها نتایج زیر به دست آمد:

از لحاظ اجتماعی بیشترین اختلافات در سطح روستاهای مورد بررسی مربوط به اختلافات خانوادگی، طایفه ای و دعاوی دسته جمعی می باشد به طوری که اکثریت افراد مورد پرسش گری میزان این اختلافات را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده اند. در این بین اختلافات ناشی از مالکیت آب و تجاوز به حدود اراضی مجاور نیز میزان بالایی را نشان می دهند. لیکن در دوره بعد از شوراهای حل اختلاف این نوع از اختلافات و دعاوی روند کاهشی به خود گرفته است. علاوه بر این از دیدگاه سرپرست خانوارها میزان سرقت و دزدی از منازل و مزارع نسبت به دوره قبل از شوراهای حل اختلاف افزایش چشمگیری یافته است؛ از سوی دیگر میزان انحرافات جوانان روستایی نیز در دوره بعد از شورای حل اختلاف روندی افزایشی به خود گرفته است.

در زمینه گویه های مثبت در زمینه بعد اجتماعی امنیت قضایی باید گفت بیشترین تاثیر عملکرد شوراهای حل اختلاف در زمینه گسترش میزان مشارکت و همبستگی بین روستاییان می باشد به نحوی که بیش از ۱۷۰ نفر از افراد مورد پرسش گری میزان مشارکت و همبستگی بین روستاییان را در دوره بعد از شورای حل اختلاف زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده اند.

همچنین روحیه انس و الفت بین روستاییان در دوره بعد از شورای حل اختلاف افزایش چشمگیری یافته است.

بعد مکانی امنیت قضایی

سنجش بعد مکانی امنیت قضایی از دیدگاه سرپرست خانوارها نشانگر مطلوبیت شاخص‌های مورد ارزیابی در دوره بعد از شوراهای حل اختلاف می باشد به نحوی که گویه‌های منفی روند کاهشی و گویه‌های مثبت روند افزایشی به خود گرفته اند. در این بین با توجه به داده‌های پرسش نامه ای در بین شاخص‌های منفی مورد ارزیابی در دوره بعد از شوراهای حل اختلاف، از میزان تغییر و تبدیل اراضی کشاورزی به نحو موثری کاسته شده است. همچنین از لحاظ شاخص‌های مثبت، امنیت در رفت و آمد به شهر به خصوص برای زنان و کودکان بیشترین افزایش را داشته است.

همچنین از دیدگاه جامعه آماری مورد مطالعه مهم‌ترین معایب و مزایای شوراهای حل اختلاف روستایی به صورت زیر می باشد:

جدول شماره ۵: معایب و مزایای شوراهای حل اختلاف روستایی از دیدگاه سرپرست خانوارها

مزیت‌ها	مشکلات
<p>بومی بودن. در دسترس بودن. رایگان بودن کلیه مراحل دادرسی. آشنایی کافی به شرایط حاکم بر جامعه محلی. داشتن شناخت کافی از طرفین اختلاف.</p>	<p>نداشتن تخصص کافی و پایین بودن سطح سواد اعضای شورا. نبود اطلاع رسانی دقیق و مناسب در مورد حدود وظایف شورای حل اختلاف. ناهماهنگی بین دادگاه‌ها و شوراهای حل اختلاف. نامناسب بودن برخی احکام صادره از سوی شورا از جمله غرض ورزی در دادرسی. نبود انگیزه در شوراها به جهت رایگان بودن فعالیت‌هایشان.</p>

جهت پاسخ‌گویی نهایی به سوال تحقیق، یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها از طریق آزمون آماری T جفت‌شده (وابسته) مورد تحلیل قرار گرفت؛ لذا برای سنجش معناداری نتایج حاصل از آزمون آماری، عدد ۰/۰۵ ملاک تصمیم‌گیری قرار گرفت. بر این اساس میانگین مجموع داده‌های مربوط به سه بعد امنیت قضایی (اقتصادی، اجتماعی و مکانی) بعد از جمع‌بندی^۱، از طریق آزمون T مورد تحلیل قرار گرفتند که نتایج آن به صورت زیر می‌باشد:

بر اساس داده‌های جدول زیر از دیدگاه سرپرست خانوارها فرضیه نخست در سطح ۰/۰۵ معنا دار می‌باشد. به عبارت دیگر تفاوت معناداری بین دو دوره قبل و بعد از شورای حل اختلاف در زمینه شاخص‌های مورد پرسش‌گری وجود دارد. مقایسه میانگین‌ها نیز موید این نکته است چرا که کاهش میانگین داده‌ها در دوره بعد از شورای حل اختلاف نشانگر تاثیر گذاری عملکرد این نهاد می‌باشد. لذا می‌توان گفت از دیدگاه سرپرست خانوارها، شوراهای حل اختلاف توانسته‌اند امنیت قضایی روستایان را افزایش دهند.

جدول شماره ۶: نتایج حاصل از آزمون دیدگاه سرپرست خانوارها

گروه	دوره‌ها	میانگین	تعداد پاسخ‌گویان	Std. Deviation
سرپرست خانوارها	قبل از شورای حل اختلاف	۱۷۵,۵۷۵۰	۲۰۰	۶,۹۱۱۰۹
	بعد از شورای حل اختلاف	۱۴۷,۱۱۵۰	۲۰۰	۶,۵۳۴۹۳

Sig. (۲-tailed)	df	t	Paired Differences				دوره	گروه	
			۹۵% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Mean	Std. Deviation			میانگین
			حداکثر	حداقل					
۰,۰۰۰	۱۹۹	۴۵,۳۴۹	۲۹,۶۹۷۶	۲۷,۲۲۲۴	۰,۶۲۷۵۸	۸,۸۷۵۳۷	۲۸,۴۶۰۰	مقایسه قبل و بعد خانوارها	

^۱ compute

جمع بندی و نتیجه گیری

امروزه در شیوه های نوین توسعه پایدار لزوم به کار گیری کلیه توان ها به ویژه استفاده از روش های مشارکتی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است زیرا که همگان را اعتقاد بر آن است توسعه ای که مشارکت و تعاونی به دنبال آن باشد توسعه پایدار خواهد بود. با این رویکرد، آگاهی و بازتوانی ظرفیت ها در فرآیند توسعه از طریق مشارکت فراگیر همه شهروندان در سکونتگاهی که زندگی می کنند امکان پذیر می باشد. تحقق مشارکت نیز موجب شکل گیری نهادهایی خواهد شد که مردم از طریق این نهادها در تصمیم گیری های سپهر زندگی خود شرکت می کنند. در واقع گسترش مشارکت های مردمی و بر عهده گرفتن بخشی از وظایف توسعه ای، فرآیندی است که زمینه شکل گیری حکمروایی خوب را در عرصه های زیستی بشر (شهر و روستا) فراهم می آورد. در واقع حضور فعال مردم در تمام شئون زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و اکولوژیکی علاوه بر ایجاد شوق و علاقمندی در سطح فعالان جامعه، نوید بخش تسریع در روند توسعه روستایی می باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه رسیدن به عدالت اجتماعی در تمامی جوامع بشری از مهم ترین برنامه های دولت ها و حکومت ها محسوب می شود، یکی از اساسی ترین ابزار نیل به این هدف اجرای صحیح قانون و مصون ماندن از عواقب و تبعات احتمالی اجرای آن است.

با این پشتوانه فکری شوراهای حل اختلاف روستایی با هدف افزایش مشارکت های مردمی در امور قضایی خویش، کاهش مراجعات به محاکم قضایی و گسترش فرهنگ صلح و سازش از طریق کدخدانمنشی پا به عرصه های روستایی گذاردند. توجه به امنیت و قانون برای تحقق عدالت اجتماعی از محورهای اساسی اندیشه های اجتماعی به شمار می رود. بدین سان برقراری امنیت در جامعه روستایی به ویژه امنیت قضایی، از جمله وظایفی است که بر عهده شوراهای حل اختلاف روستایی است که در نهایت عملکرد این شورا جهت برآوردن آن جهت گیری کرده است. مطالعه و تحلیل عملکرد شوراهای حل اختلاف در سطح روستاهای مورد مطالعه نشان می دهد تفاوت معناداری از لحاظ امنیت قضایی بین دو دوره قبل و بعد از شورای حل اختلاف مشاهده می شود. نتایج حاصله حاکی از آن است که از دیدگاه سرپرست

خانوارهای مورد مطالعه، شورای حل اختلاف توانسته‌اند امنیت قضایی روستاییان را افزایش دهند؛ که نشانگر اثر بخشی فعالیت های شورای حل اختلاف را در این منطقه می باشد. لیکن از دیدگاه کلی، علی رغم روند افزایش امنیت قضایی روستاییان، شاهد وجود برخی کاستی ها در عملکرد شوراهای حل اختلاف روستایی می باشیم. داده های تحقیق به خوبی موید این نکته است که علی رغم وجود تفاوت معنی دار در اغلب شاخص های مورد ارزیابی، در برخی از شاخص ها مطلوبیت مورد انتظار وجود نداشته که لزوم برنامه ریزی و تقویت شوراهای حل اختلاف جهت مطلوبیت بخشی به این شاخص ها احساس می شود. به خصوص در مورد برخی اختلافات مالی روستاییان نظیر اختلافات ناشی از مطالبه وجه نقد که معمولاً کمتر از طریق داوری و روش های جایگزین حل و فصل می شوند چرا که نیازمند توافق و تراضی بعدی طرفین اختلاف می باشند بدین جهت، غیر قابل ارجاع به داوری و طرق جایگزین بوده و در نتیجه از شمول صلاحیت شوراهای حل اختلاف نیز خارج است. بنابراین در وضعیت فعلی، علی رغم تاسیس شوراهای حل اختلاف و تعیین صلاحیت اجباری (در دعوی کوچک) برای این شوراها، نقش بسیار اندک و محدودی در حل و فصل این گونه اختلافات مالی مابین روستاییان دارند. از سویی دیگر افزایش هزینه دادرسی که خود ناشی از عدم آگاهی شوراهای حل اختلاف روستایی به قوانین دادرسی و عدم اطلاع رسانی مناسب نسبت به حدود اختیارات و وظایف شوراهای حل اختلاف می باشد از نقاط ضعف دیگری است که عملکرد این نهاد را تحت الشعاع قرار داده است.

پیشنهادات و ارایه راهکارهای اجرایی

بر این اساس و با توجه به نتایج حاصل از یافته های تحقیق، پیشنهادات زیر جهت بهبود عملکرد شوراهای حل اختلاف روستایی ارایه می گردد:

الف) در زمینه برنامه ریزی

- بازنگری در ملاک انتخاب اعضای شوراهای حل اختلاف

- لزوم بررسی شرایط موجود جوامع روستایی و تعیین حدود اختیارات این نهاد با توجه به شرایط

موجود؛

- بازنگری در حدود صلاحیت شوراهای حل اختلاف
- اطلاع رسانی بیشتر نسبت به حدود وظایف شورای حل اختلاف روستایی؛
- ب) در زمینه آموزش
- بالا بردن سطح آگاهی و توان اعضای شورای حل اختلاف روستایی نسبت به احکام قضایی و قوانین موضوعه؛
- آموزش شوراهای حل اختلاف در زمینه جلوگیری از وقوع جرایم
- ج) در زمینه مدیریت
- تقویت قوه نظارتی جهت جلوگیری از بهره برداری های سوء
- بی شک پایین بودن میزان آشنایی اعضای شوراهای حل اختلاف روستایی با ادبیات و مبانی حقوقی بسیار قابل تامل است که می تواند در آرای قضایی اشکالاتی را به وجود آورد لذا احتمال سوءاستفاده های سیاسی، اجتماعی از این جایگاه دور از انتظار نیست و باید با تقویت قوه نظارتی مانع از ایجاد فرصت برای سوءاستفاده گران شد تا از اهداف اصلی دور نشویم. بدیهی است انتخاب افراد باسواد به خصوص کارشناسان مسائل حقوقی جهت نظارت بر کار شوراهای حل اختلاف روستایی از اساسی ترین راهکارهای حصول به این هدف خواهد بود. این ارزیابی از چند جهت می تواند صورت پذیرد:
- ۱- ارزیابی سالیانه توسط شوراها.
 - ۲- ارزیابی توسط قوه قضاییه با تشکیل واحد نظارت و ارزیابی شوراهای حل اختلاف در دادگاه های بخش.
 - ۳- توجه بیشتر به مشارکت های مردمی در انتخاب اعضای شورای حل اختلاف روستایی.
 - ۴- تضمین قانونی اجرای احکام صادره از سوی شورای حل اختلاف روستایی.
 - ۵- حمایت های مالی و قانونی از این نهاد نوبنیاد.
- پیشنهادات بالا را می توان با دو شیوه ی کاملاً عملی جامه عمل پوشاند: نخست اینکه اکثراً موارد مذکور با تصویب قوانین جدید یا اصلاح برخی قوانین قبلی قابل حصول است. به عنوان نمونه افزایش استقلال شورای حل اختلاف و یا التزام به اجرای کامل احکام صادره از سوی

این نهاد و نیز تعیین حدود وظایف شورای حل اختلاف روستایی از جمله این موارد می‌باشند؛ از سویی دیگر برخی موارد نظیر افزایش مشارکت های مردمی و نیز بالابردن سطح آگاهی و توان اعضای شورای حل اختلاف مستلزم یکسری اقدامات عملی است. در مورد افزایش مشارکت های مردمی، ایده آل ترین راهکار انتخاب اعضای شورا از طریق رای مستقیم مردم می باشد (نظیر آنچه که در مورد شوراهای اسلامی انجام می گیرد)؛ برای بالا بردن سطح آگاهی و توان اعضای شورا نیز می توان دوره های آموزشی قبل از خدمت را در دستور کار قرار داد. بدیهی است انتخاب افراد باسواد محلی - به خصوص کارشناسان مسائل حقوقی - نیز از اساسی ترین راهکارهای حصول به این هدف خواهد بود. نکته آخر اینکه تغییر در ملاک های انتخاب اعضای شورای حل اختلاف از مهم ترین راهکارها عملی و قانونی جهت ارتقای کارایی این نهاد می باشد؛ به طوری که هیچ یک از اعضای این نهاد انتصابی نبوده و از توان علمی و عملی کافی برای حل مسائل برخوردار باشند.

فهرست منابع

- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۶): امنیت و ابعاد آن در قرآن، نشریه مطالعات اسلامی، شماره ۷۵، ص ۳۹-۱۱.
- مصطفی، غفاری غلامرضا، (۱۳۸۳): توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، انتشارات نشر نی.
- ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین، (۱۳۸۴): بررسی جامعه شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، نوبت زمستان، صص ۶۴-۳۳.
- امین، سید حسن، (۱۳۸۲): تاریخ حقوق ایران، تهران، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی.
- بنار، رحمت اله، (۱۳۸۱): بررسی ظرفیت مسئولیت پذیری شورای اسلامی روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر علی اصغر فانی.
- پاپ زن، عبدالحمید و علی بیگی، امیر حسین، (۱۳۸۵): تحلیل انتظارات روستاییان کرمانشاه از شوراهای اسلامی روستا، فصل نامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴، صص ۵۳-۳۷.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و ابراهیمی، محمد امیر، (۱۳۸۱): نظریه های توسعه روستایی، تهران، انتشارات سمت.

جمعه پور، محمود، (۱۳۸۷): مقدمه ای بر برنامه ریزی روستایی «دیدگاه‌ها و روش‌ها»، تهران، انتشارات سمت.

رحیمی، خورشید وند، (۱۳۸۵): بررسی نحوه مشارکت تشکل های مردم نهاد (سمن) با پلیس در برقراری نظم و امنیت جامعه در لرستان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر پرویز احمدی.

رستمی، ولی، (۱۳۸۶): مشارکت مردم در فرآیند کیفری؛ بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی، فصل نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷ شماره ۲، ص ۱۷۱-۱۳۹.

رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، (۱۳۸۷): مدیریت توسعه روستایی در ایران، انتشارات سمت، زیر چاپ.

صرافی، مظفر، (۱۳۷۷): مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی.

متن ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی.

مرصوسی، نفیسه، (۱۳۸۲): تحلیل فضایی عدالت در شهر تهران، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر حسین شکویی.

میدری، احمد، (۱۳۸۳): تغییر در سیاست های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب، نامه مفید، شماره ۴۲، خرداد و تیر ماه.

نوروزی، کامبیز، (۱۳۷۹): امنیت قضایی در جمهوری اسلامی ایران، گزارش پژوهشی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۳.

Johnson, I, (۱۹۹۷): 'redefining the concept of governance, , international journal of public administration. Vo. ۲۰.

Kaufman, d., Kraay, a, & Mastruzz, m. (September ۲۰۰۶), governance matters V: governance indicators for ۱۹۹۶.

Styop W.C, (۱۹۷۵): cooperation development and problem of social participation in light of recent, University of bolohgatialy, Journal of rural cooperation.

UNDESCAP, (۲۰۰۲): what is good governance, present at:

www.unescap.org/huset/۲۲/governance.htm.

Walter j, Kiekert m., (۲۰۰۲): public governance in small continental European states,
international journal of public administration. Vo. ۲۵.